

تأملی بر وضعیت حقوقی به کارگیری پهپاد علیه تروریسم

سیدمحمد حسینی^{۱*}، مهرداد محمدی^۲، یاسر مکریمی قرطاول^۳

چکیده

در چند دهه اخیر منطقه خاورمیانه صحنه درگیری‌های نظامی متعددی میان دولت‌های فرامنطقه‌ای با برخی از دولت‌ها و گروه‌های غیردولتی (همچون گروه‌های تروریستی) بوده است. در یک دهه پیشین استفاده از پهپاد به منظور بمباران، ترور، شناسایی و جاسوسی توسط دولت‌های فرامنطقه‌ای به بهانه‌های مختلف در منطقه خاورمیانه رایج بوده است که عمدتاً نقض حاکمیت کشورهای منطقه را در پی داشته است. این نقض حاکمیت همواره توسط دولت‌های فرامنطقه‌ای به لحاظ حقوقی توجیه شده است. بخش عمده این توجیها بر پایه چالش‌های حقوقی بوده‌اند که در خصوص مقررات حاکم بر استفاده از پهپادها وجود دارند و به نوعی این چالش‌ها سرپوشی برای فعالیت‌های غیرقانونی این دولت‌ها به حساب می‌آیند. طرح این چالش‌ها عمدتاً در راستای تفسیر مقررات منع توسل به زور و دفاع مشروع، مقررات حاکم بر مخاصمات و قواعد حقوق بشردوستانه و مبارزه با تروریسم بوده‌اند. لذا درک و تفسیر صحیح این چالش‌های حقوقی و برطرف نمودن آنها می‌تواند تصویری واقعی از وضعیت موجود ارائه دهد و فهم دقیق‌تری از منظر حقوق بین‌الملل فراهم نماید.

کلیدواژگان

پهپاد، حقوق بشردوستانه، حقوق بین‌الملل بشر، حقوق مخاصمات.

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسؤل).
Email: environmenthosseini@gmail.com
۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
Email: meh_mohammadi@sbu.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
Email: yaser_mokarrami@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

مقدمه

یکی از فناوری‌هایی که نقش قابل توجهی در تسهیل امور دولت‌ها داشته است، فناوری تولید هواپیما بوده است. این وسیله دارای کاربرد دوگانه می‌باشد؛ بدین معنا که دولت‌ها هم در امور نظامی و هم در امور غیرنظامی از آن بهره می‌جویند. هواپیماهای بدون سرنشین^۱ که در زبان فارسی بدان پهپاد^۲ نیز اطلاق می‌شود، یکی از این نوع هواپیماها به شمار می‌آید. در حال حاضر بیش از ۴۰۰ نوع پهپاد در سراسر جهان وجود دارد، که کاربردهای نظامی، تجاری و تحقیقاتی از جمله موارد استفاده آنها است (شکوهی، ۱۳۹۲: ۶۱). ابهامات و سؤال‌های متعددی در خصوص مقررات حاکم بر استفاده از پهپادها توسط کشورها در عملیات‌های نظامی وجود دارند. یکی از کاربردهای مهم پهپاد، استفاده از آن برای هدف قرار دادن گروه‌های تروریستی است. این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال کلیدی است که استفاده از پهپاد علیه گروه‌های تروریستی با چه چالش‌های حقوقی مواجه است؟ در راستای این سؤال اصلی پرسش‌های متعددی نیز مطرح می‌شوند که سبب غنای موضوع از زوایای گوناگون نظری و عملی می‌گردد. سوالاتی همچون: نقش حاکمیت دولت‌ها در کنترل و مقررات‌گذاری استفاده و بهره‌برداری از پهپادها تا چه میزان است؟ استفاده از پهپادها تابع چه مقرراتی از حقوق بین‌الملل می‌باشند؟ چه قواعد و مقرراتی به تحدید استفاده از پهپادها در نبردها می‌پردازند؟ این تحقیق سعی دارد با روشی توصیفی-تحلیلی، با استفاده از اصول و قواعد کلی و مقررات استفاده از پهپادها و مبنا قرار دادن آنها، چالش‌های حقوقی آنها را شناسایی و پاسخ مناسب را تبیین نماید.

استفاده از پهپاد در پرتو اصل حاکمیت دولت‌ها

حاکمیت دولت‌ها موجب می‌گردد تا هر کشوری قوانین حاکم بر استفاده و بهره‌برداری از پهپادها را در قلمرو خودش مطابق میل خود تعیین نماید. اصل احترام به حاکمیت دولت‌ها در منشور ملل متحد مورد توجه قرار گرفته است (ذوالعین، ۱۳۹۰: ۲۱۶-۲۱۵). پیرو این اصل، استفاده از پهپادها در قلمرو یک کشور، در چهارچوب حاکمیت دولت، از جمله اختیارات آن کشور محسوب می‌گردد. برای مثال استفاده از پهپادها در جهت حفظ نظم و آسایش عموم، حفاظت و حراست از محیط طبیعی و یا کنترل مرزها از جمله اختیارات یک دولت می‌باشد که ریشه در حاکمیت آن دولت دارد.

1. Unmanned Aircraft Vehicle (UAV).

۲. پهپاد نماد اختصاری (پرنده هدایت پذیر از دور) می‌باشد که واژه «Drone» معادل انگلیسی این عبارت است.

۱- نقض حاکمیت دولت در زمان صلح توسط پهپاد

مهمترین سند بین‌المللی حاکم بر فعالیت‌های هوانوردی، کنوانسیون هواپیمایی کشوری بین‌المللی شیکاگو مصوب ۱۹۴۴^۱ است. بر اساس ماده نخست این کنوانسیون، حاکمیت کامل و انحصاری هر کشوری بر قلمروی هوایی خود مورد تأکید قرار گرفته است و هر کشوری برای اتخاذ هر تصمیم درباره هواپیماهای خارجی در قلمروی کشور خود صلاحیت دارد.

تاکنون نقض حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و همچنین برخی از کشورهای خاورمیانه که مرز همجوار با جمهوری اسلامی ایران دارند به طرق متعدد از طریق ورود غیرقانونی پهپادهای بیگانه (عمدتاً دولت‌های فرامنطقه‌ای) صورت پذیرفته است. به‌رحال جمهوری اسلامی ایران و عمده کشورهای منطقه خاورمیانه حملات هوایی از طریق پهپادهای کشورهای بیگانه را نقض حاکمیت خود دانسته‌اند و اعتراض خودشان را به این امر اعلان داشته‌اند. برای مثال می‌توان به پهپاد آمریکایی RQ 170 اشاره نمود که به قصد جاسوسی در تاریخ ۱۳ آذر ۱۳۹۰ حدود ۲۵۰ کیلومتر وارد قلمرو کشور ایران شد و حاکمیت جمهوری اسلامی را نقض نموده بود. ورود این پهپاد جاسوسی، اصل حاکمیت کشور ایران بر قلمرو هوایی خود را نقض نمود و مورد اعتراض ایران قرار گرفت. در این خصوص نماینده ایران در سازمان ملل با صدور نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل در تاریخ ۸ دسامبر ۲۰۱۱ ضمن محکوم کردن این تجاوز به قلمرو ایران، بیان داشت قبل از این تجاوز نیز آمریکا چندین بار از طریق پهپادهایش اقدام به نقض حاکمیت ایران بر قلمرو هوایی خود نموده است (Letter of Islamic Republic of Iran to President of UNSC, 2011:1-2). در سال ۱۳۹۱ نیز بار دیگر ایران یک پهپاد جاسوسی آمریکا را این بار در خلیج فارس شکار نمود. ایران ضمن اعتراض به این تجاوز آمریکا از طریق نامه‌ای در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۱۲ به دبیرکل سازمان ملل و شورای امنیت (UN Official Document S2012851) اعتراض خویش را بیان داشت. در قسمتی از این نامه آمده است که «نیروی دریایی آمریکا در ماه گذشته در خلیج فارس و دریای عمان چندین بار اقدام به نقض قلمرو هوایی جمهوری اسلامی ایران نمود و در تمامی این موارد قواعد حاکم بر ایمنی و امنیت هوانوردی از جمله کنوانسیون شیکاگو را نقض کرد و همچنین ایمنی هوایی منطقه اطلاعات پروازی ایران در خلیج فارس را از طریق عملیات‌های با ریسک بالا به تحلیل برد (مورد آسیب قرار داد). عملیات‌های هوایی اخیر آمریکا حریم هوایی ایران را نقض نمودند. این حملات در مورخه‌های ۷، ۱۳، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳ و ۲۶ اکتبر ۲۰۱۲ در مناطق دریای ساحلی بوشهر ایمنی هوانوردی در منطقه اطلاعات پرواز ایران را به خطر انداخته‌اند. آخرین مورد از این عملیات‌ها در یک نوامبر سال ۲۰۱۲ توسط پهپاد آمریکا صورت گرفت که تمامی هشدارهای رادیویی را نادیده

1. The Chicago Convention on International Civil Aviation (1944).

گرفت و وارد حریم هوایی ایران شده است» (UN official Document S/2012/851, 2012: 1). بی‌شک چنین حملاتی آن هم بدون رضایت کشورهای هدف، نقض حاکمیت آن‌ها تلقی می‌گردد.

با این حال، در برخی از مواقع ممکن است دولتی آنچنان ضعیف گردد یا باشد که اثری چندانی از حاکمیت آن کشور هویدا نباشد. این چنین دولتی «قادر به اجرای «باید»‌های حاکمیتی خود در تمام جوانب اساسی خود نیست و حتی قادر نیست مهمترین کارویژه‌های یک دولت و به عبارت دیگر هر چیزی که برای جمعیت خود به عنوان نهادی از اجتماع انسانی مهم است، محقق سازد. فقدان نظم و قانون و عدم توانایی تأمین خدمات سیاسی شهروندان و عدم انحصار استفاده قانونی از زور، به طور خلاصه فقدان تمام آنچه دولتی را دولت مطلوب می‌سازد، مواردی هستند که دولتی را به دولت ناتوان تبدیل می‌کنند» (شهبازی و جواد شریف ، ۱۳۹۲: ۴۶-۴۵). حال آیا چنین ضعف و ناتوانی مجوزی بر تصمیم‌گیری سایر دولت‌ها در امور داخلی آن کشور محسوب می‌شود و یا اینکه آیا چنین حالتی مجوزی برای نادیده گرفتن حاکمیت آن دولت خواهد شد؟ برای مثال دولت آمریکا «پس از حمله یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱، در زمان ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش، جنگی را علیه تروریسم (عمدتاً در منطقه خاورمیانه) به راه انداخته که قلمرو جغرافیایی آن با محدودیتی مواجه نمی‌باشد و میدان نبرد در این جنگ ماهیت جهانی دارد و توجیه این کشور مبتنی بر ناتوان بودن این دولت‌ها در مبارزه با تروریست‌های مستقر در قلمرو آنها است. در این بین دولت آمریکا در کنار سایر تجهیزات جنگی از پهپادها نیز برای حمله به گروه‌های تروریستی در این کشورها همچون افغانستان، یمن و پاکستان بهره برده است (Sterio, 2012: 201). در حقیقت ناتوان بودن حاکمیت برخی از کشورهای آسیایی در امر مبارزه با گروه‌های تروریستی، به توجیهی حقوقی برای حملات پهپادهای دولت‌های فرامنطقه‌ای به این کشورها تبدیل شده است.

به باور برخی از نویسندگان حقوقی، حملات آمریکا به گروه‌های تروریستی بدون رضایت دولتی که تروریست‌ها در قلمرو آن فعالیت یا سکونت دارند، نقض حاکمیت آن دولت نمی‌باشد. توجیه این نویسندگان براین پایه است که از آنجایی که این دولت‌ها توان یا تمایلی به جلوگیری از فعالیت‌ها و حملات این گروه‌های تروریستی در آینده ندارند، لذا حمله به این گروه‌های تروریستی توسط نیروهای آمریکایی، نقض تعهد احترام به حاکمیت دولت مورد نظر نمی‌باشد (Orr, 2011: 732) به‌دیگر سخن، حتی اگر حملات گروه‌های غیردولتی قابل انتساب به دولت صاحب سرزمین نباشد اما چون این دولت، قادر به ممانعت از استفاده از خاک خود جهت اقدامات تروریستی و نظامی علیه سایر دولت‌ها نیست، حق دفاع مشروع برای دولت قربانی فراهم می‌شود (علاقه‌بندحسینی و یزدان‌نجات، ۱۳۹۲: ۲۱۳). پاسخ به چنین ادعایی نیازمند درک و تبیین مفهوم حاکمیت در زمان صلح و جنگ است.

در زمان صلح که بین کشورها مخاصمه‌ای وجود ندارد، تجاوز به قلمرو کشورها ممنوع است. این ممنوعیت شامل تجاوز به قلمرو هوایی نیز می‌شود. به عبارت دیگر، حمله پهپاد به قلمرو یک کشور آن هم در حالتی که بین آنها حالت صلح وجود دارد، نقض قلمرو هوایی و در نتیجه نقض حاکمیت آن کشور به حساب می‌آید. این ممنوعیت در بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد نیز بیان و بر آن تأکید شده است. معمولاً این تجاوزها از طریق ارسال پهپادها در زمان صلح به منظور جاسوسی صورت می‌گیرد. برای مثال، بنابر اعلام مقامات ایرانی تجاوز پهپاد آمریکایی (آرکیو ۱۷۰)^۱ به خاک جمهوری اسلامی ایران با هدف جاسوسی بوده است و از آنجایی که بدون رضایت کشور ایران بود، نقض حاکمیت ایران را در پی داشته است.

۲- نقض حاکمیت کشورها در زمان مخاصمات مسلحانه توسط پهپادها

معمولاً مخاصمات، با نقض حاکمیت و تجاوز به قلمرو یکدیگر شروع می‌گردد و این تجاوز شامل حمله به قلمرو خاکی، آبی یا هوایی می‌باشد. با این حال اظهار نظر در خصوص این مورد نیازمند واکاوی اصل منع توسل به زور، دفاع مشروع و مداخله توسط دعوت است که ناشی از اصل حاکمیت برابر دولت‌ها می‌باشند.

۲-۱- اصل منع توسل به زور

منشور ملل متحد در بند ۴ ماده ۲ خود تصریح دارد: «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از کاربرد یا تهدید به کاربرد زور علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی هر دولت دیگر و نیز از هر عملی که به نحوی از انحاء مغایر با اهداف ملل متحد باشد، خودداری خواهند کرد». تنها استثنائات وارده بر این قاعده قراردادی موجود در منشور نیز در خود معاهده پیش‌بینی شده: «تحت مواد ۴۲ و ۵۳ منشور، شورای امنیت اجازه دارد در موارد خاص و با شرایط مشخص، استفاده از نیروی نظامی علیه یک دولت را به عنوان ابزاری در جهت استقرار صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار دهد». مورد استثناء دیگر نیز، ماده ۵۱ منشور است که بیان می‌دارد: «در صورت وقوع یک حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد...». دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی خود در قضیه کنگو علیه اوگاندا (۲۰۰۵) نیز بر استثناء بودن ماده ۵۱ منشور بر اصل منع توسل به زور صحنه گذاشته و بیان می‌دارد که «ممنوعیت توسل به زور، بنیاد منشور سازمان ملل است... از منظر ماده ۵۱ منشور، دفاع مشروع زمانی قابل

توجیه برای استفاده از زور است که صرفاً در محدوده مقررات ماده باشد.» (ICJ Rep, 2005: para. 148). لذا «با ممنوعیت کلی تهدید و توسل به زور و مستثنی شدن «دفاع مشروع در برابر حمله مسلحانه» از این قاعده، هر توسل به زور دیگری باید حتماً با مجوز شورای امنیت و تحت فصل هفتم منشور باشد» (ممتاز و صابری انصاری، ۱۳۹۱: ۱۸۱-۱۸۰).

۲-۲- دفاع مشروع

منشور ملل متحد مقرراتی دارد که بر اساس آن قوه قهریه تنها می‌تواند در مورد دفاع مشروع و در پاسخ به حمله مسلحانه مورد استفاده قرار گیرد (کرمزاده، ۱۳۸۲: ۱۶۵). برخی از نویسندگان بر این باورند که نه ماده ۵۱ منشور سازمان ملل در خصوص دفاع مشروع و نه حقوق بین‌الملل عرفی بیانگر کسب رضایت کشوری است که حمله مسلحانه توسط بازیگر(ان) غیر دولتی از خاک آن کشور صورت می‌گیرد. در واقع با پذیرش منشور و پذیرش اقدامات دفاع مشروع، رضایت کشورها (به طور ضمنی) ابراز شده است (Paust, 2010: 249). لذا مطابق نظر این دسته از نویسندگان حمله به گروه‌های تروریستی همانند القاعده توسط آمریکا از طریق پهپادها در قالب دفاع مشروع امری کاملاً قانونی و پذیرفته شده است (Orr, 2011: 733). استدلال آنها در خصوص دفاع مشروع به این نکته برمی‌گردد که با توجه به حملات تروریستی این گروه‌ها، همه آمریکایی‌ها در معرض خطر حمله تروریستی قرار دارند و لذا حمله آمریکا به القاعده در افغانستان و پاکستان حتی بدون مجوز این کشورها جایز است (Orr, 2011: 737-738).

به‌طور کلی سه انتقاد جدی بر نظر این دسته از نویسندگان وارد است. اول آنکه مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، دفاع مشروع صرفاً در برابر دولت‌ها و نه گروه‌های غیردولتی (که گروه‌های تروریستی در این دسته قرار می‌گیرند)، جایز است. این امر حتی در آراء دیوان بین‌المللی دادگستری نیز مورد اشاره واقع شده است و دیوان در نظر مشورتی خود در قضیه دیوار حائل اعلام داشت که تنها حمله‌ای که توسط یک دولت انجام شود ممکن است به معنای «حمله مسلحانه» در معنای مقرر در ماده ۵۱ منشور سازمان ملل باشد (ICJ Rep, 2005: para. 139). انتقاد دوم آن است که به فرض قبول دفاع مشروع در مقابل گروه‌های تروریستی، حمله نظامی تنها راه دفاع مشروع نیست، بلکه ابتدا باید به شیوه‌های غیرنظامی مانند مذاکره، محاصره و دادن مهلت و تضمین سلامتی در صورت تسلیم شدن و... توسل جست و حمله نظامی آخرین گزینه است. فلیپ الستون گزارشگر ویژه سازمان ملل در اعدام‌های خودسرانه، در گزارش خود

بیان می‌کند که در صورتی که «قتل هدفمند^۱» توسط کشور نخست در خاک کشور دوم برای دفاع مشروع باشد... حقوق بین‌الملل اجازه استفاده از نیروی نظامی در مقام دفاع مشروع و در پاسخ به حمله مسلحانه را با رعایت (اصول) ضرورت^۲ و تناسب^۳ می‌دهد» (Alston, 2010: para. 35). ضمن آنکه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه تهدید یا استفاده از تسلیحات هسته‌ای (۱۹۹۶) اظهار می‌دارد که «رعایت ضرورت و تناسب در اعمال حق دفاع مشروع، جزء قواعد عرفی حقوق بین‌الملل است» (ICJ Rep, 1996: 245). همچنین دیوان در قضیه سکوها^۴ نفتی (ایران علیه آمریکا) در رأی ماهوی خود در سال ۲۰۰۳ بیان می‌دارد که «آمریکا نتوانسته دیوان را متقاعد کند که در حمله به سکوها (در مقام دفاع مشروع) ضرورت را رعایت نموده است» (ICJ Rep, 2003: para. 76).

انتقاد سوم آن است که حمله به یک گروه تروریستی که در خاک کشور دیگر مخفی شده-اند بایستی به تبع تهدید و درگیری باشد که به حد مخاصمه مسلحانه رسیده باشد. به عبارت دیگر «در صورتی که فعالیت‌های تروریستی به گونه‌ای باشد که حمله مسلحانه محسوب گردد، دولتی که مورد حمله تروریستی قرار گرفته است می‌تواند بر اساس ضرورت و تناسب میان حمله و دفاع به این حملات پاسخ دهد» (کرم‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۶۵). به باور برخی از نویسندگان از آنجایی که درگیری آمریکا با گروه‌های تروریستی در حد مخاصمه مسلحانه است، لذا کشتار هدفمند افراد مشارکت‌کننده در مخاصمه مطابق مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه جایز است (Orr, 2011: 733). اما نقص جدی این گفته آن است که معمولاً اعمال این گروه‌های تروریستی به حدی از مخاصمات نمی‌رسد که کشورهای حمله‌کننده به دفاع مشروع استناد نمایند. حتی اگر خشونت به شدت یک مخاصمه مسلحانه برسد، اعمال تروریستی را در صورتی می‌توان به عنوان جنایت جنگی توصیف کرد که معیارهای لازم را داشته باشند. اگر این‌طور نباشد، مسلماً نمی‌توان آنها را به عنوان اعمال جنگی توصیف کرد، بلکه می‌توان آنها را جرایم عمومی که به حقوق بین‌الملل بشردوستانه مربوط نمی‌شوند، به شمار آورد» (ممتاز و شایگان، ۱۳۹۳: ۶۴-۶۳). در انتها نیز توجه به اینکه حائز اهمیت است که مطابق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد کشورهای که به دفاع مشروع مبادرت می‌کنند بایستی «اقداماتی را که در

۱. Targeted Killing: قتل هدفمند بکارگیری نیروی کشنده بصورت ارادی و با نیت قبلی، توسط کشورها یا به‌وسیله گروه‌های مسلح سازمان یافته در مخاصمات مسلحانه، با پوشش قانونی بر علیه اشخاص خاص می‌باشد (A/HRC/14/24/Add.6, 2010: para. 1).

2. Necessary.

3. Proportionate.

اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند». چیزی که حداقل در مورد حملات پهلپاداها به دولت‌ها و گروه‌های تروریستی در کشورهای منطقه خاورمیانه به سختی قابل اثبات است (Casey-Maslen, 2012: 605).

۲-۳- مداخله از طریق دعوت^۱

یکی از توجیهات آمریکا برای حمله به کشورهای خاورمیانه، مبارزه با تروریسم است و از آنجایی که کشورهای مزبور در ظاهر توانایی کنترل و برخورد با این گروه‌های تروریستی را ندارند، ممکن است از دولت‌های فرامنطقه‌ای و به ویژه آمریکا تقاضا نمایند که در مبارزه با این گروه‌های تروریستی مشارکت داشته باشند. حال سوال آن است آیا مداخله یک کشور در کشور دیگر برای مبارزه با گروه‌های تروریستی مطابق حقوق بین‌الملل جایز است و در این صورت کشور مداخله‌کننده بایستی چه مقرراتی را رعایت نماید؟ در پاسخ به این سؤال بایستی گفت که «یک دولت می‌تواند با رضایت دولت دیگر (دولت سرزمینی) به اعمال زور در آن دولت بپردازد. به عنوان نمونه، دولتی که درگیر یک مخاصمه داخلی با شورشیان است، تقاضای دریافت کمک‌های خارجی برای برقراری نظم می‌نماید. به علاوه، این که یک دولت ممکن است به عملیات دفاعی در داخل سرزمینش توسط دولت دیگر رضایت دهد (تقی‌زاده و هداوندی، ۱۳۹۱: ۷۷). اگرچه مطابق برخی از اسناد از جمله، قطعنامه انستیتو حقوق بین‌الملل^۲ در سال ۱۹۷۵، مداخله توسط کشور ثالث در یک مخاصمه داخلی ممنوع است (The Institute Of International Law, 1975: Art. 2).^۳ اما با این حال مطابق رویه قضایی بین‌المللی و حتی رویه دولت‌ها، چنین حقی برای دولت‌های مستقر وجود دارد که از کشور دیگر تقاضای مداخله نمایند (عزیزی، ۱۳۹۰: ۱۸۱). دیوان بین‌المللی دادگستری در دو قضیه نیکاراگوئه علیه آمریکا (۱۹۸۶) و کنگو علیه اوگاندا (۲۰۰۵) بر وجود چنین حقی تأکید نموده است.^۴ با این حال بایستی توجه داشت که دولتی که به درخواست دولت سرزمینی برای مبارزه با گروه‌های تروریستی مداخله می‌نماید بایستی مقررات و قواعد مشخصی را رعایت نماید. به عبارت دیگر «دولت سرزمینی مربوطه مجاز است تنها به انجام آن دسته از اقداماتی توسط کشور مداخله‌کننده رضایت دهد که خود آن دولت به لحاظ قانونی صلاحیت انجام آن عمل دارد. بنابراین دولتی که تقاضای کمک نموده است نمی‌تواند بر وقوع اعمالی که هنجارهای حقوق

1..Intervention by Invitation.

2..The Institute of International Law.

۳. ماده ۳ این قطعنامه صرفاً کمک‌های بشردوستانه را از این ممنوعیت مستثنی نموده است.

۴. دیوان در هر دو رأی اشاره نموده است که کشورها حق کمک به گروه‌های شورشی علیه حکومت مستقر را ندارند، اما دولت مستقر می‌تواند از دولت‌های دیگر جهت مبارزه با گروه‌های شورشی استمداد نماید.

بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه را نقض می‌کند، رضایت دهد. کما این‌که خود نیز به طور قانونی حق انجام چنین اعمالی را ندارد» (Schmitt, 2010: 315).

استفاده از پهپاد از منظر حقوق بشر و حقوق بشردوستانه

اجرای مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حالتی است که درگیری با گروه‌های تروریستی در حد یک مخاصمه (خواه بین‌المللی یا غیربین‌المللی) باشد و گرنه در غیر این حالت مقررات داخلی کشور سرزمینی و مقررات حقوق بشر حاکم است. توضیح اینکه «حقوق بشردوستانه یا حقوق مخاصمات مسلحانه تنها زمانی قابل اعمال است که مخاصمه مسلحانه داخلی یا بین‌المللی وجود داشته باشد، اما درگیری مسلحانه میان یک دولت و یک گروه تروریستی درون خاک آن دولت، باید به سطح یک مخاصمه مسلحانه رسیده باشد» (سرتیپی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۷). سعی می‌گردد در ادامه به این محدودیت‌ها بیشتر پرداخته شود تا مشخص گردد حملات پهپادها در چهارچوب کشتار هدفمند و سایر موارد چقدر با مقررات حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در تناسب بوده است.

۱- استفاده از پهپاد تحت مقررات حقوق بین‌الملل بشر

استفاده از پهپادها به عنوان یک سلاح کشتار انسانی این سوال را در ذهن پدید خواهد آورد که آیا در عملیات‌های پهپادها، مقررات حقوق بین‌الملل بشر قابل اعمال است یا خیر؟ در پاسخ به این سوال ابتدا بایستی بیان کرد که «به‌طور کلی قوانین حقوق بشری مبتنی بر زمان صلح و قوانین حقوق بین‌المللی بشردوستانه مربوط به زمان جنگ و درگیری مسلحانه است. می‌توان گفت استفاده از پهپاد در زمان جنگ بر اساس قوانین حقوق بشردوستانه مجاز است اما این اقدام در زمان صلح مجاز نخواهد بود» (ممتاز، ۱۳۹۳: ۱). به عبارت دیگر می‌توان اینطور سوال مطرح کرد که آیا در تمام مواردی که پهپادها برای حمله نظامی علیه گروه‌های تروریستی به کار گرفته شده‌اند، شاهد درگیری و جنگ بوده‌ایم؟ به نظر می‌رسد پاسخ منفی باشد. پهپادها عمدتاً در زمانی مورد استفاده قرار گرفته‌اند که حالت جنگی وجود نداشته است (ممتاز، ۱۳۹۳: ۱). لذا در حالت غیرجنگ یا غیرمخاصمه مسلحانه بایستی مقررات حقوق بین‌الملل بشر که در اسناد بین‌المللی و حقوق بین‌الملل عرفی بیان گردیده، رعایت شوند.

با این حال به باور برخی از حقوقدانان، نمی‌توان استفاده از پهپاد جنگی را تحت شمول حقوق بین‌الملل بشر قرار داد (Lewis, 2012: 300). در پاسخ به این چنین اعتقادی بایستی به گزارش گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر در خصوص کشتار هدفمند اشاره نمود. ایشان در گزارش خود

در خصوص کشتار هدفمند، بیان می‌دارد که «خارج از چارچوب مخاصمه مسلحانه، استفاده از پهپادها برای کشتار هدفمند به لحاظ حقوقی پذیرفته نیست. انجام کشتار هدفمند توسط یک کشور در داخل قلمرو خودش یا جایی که بر آن کنترل دارد، با رعایت محدودیت‌های حقوق بشری مواجه خواهد شد» (Alston, 2010: 85). اما نکته جالب آن‌جا است که به باور برخی، دولت‌ها موظفند که حقوق بشر را فقط در داخل مرزهای خود رعایت نمایند. فی الواقع، این دسته از نویسندگان بر مبنای بند اول ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی معتقدند که کشورها مطابق این مقرر صرفاً در قلمرو تحت صلاحیت خویش موظف به اجرای حقوق بشر هستند و برای مثال دولت آمریکا در حملات پهپادها به مناطقی که نیروهای طالبان در افغانستان حضور دارند، خود را مقید به رعایت حقوق بشر نمی‌داند. اما بایستی در پاسخ به این سوءبرداشت‌ها از قلمرو اجرای حقوق بشر بیان داشت که اگر بر عملیات‌های نظامی مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه حاکم نباشد، حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل بشر بر این امر حاکم است.^۱ البته مطابق حقوق بین‌الملل بشر، کشتار هدفمند تنها در صورتی پذیرفته است که تهدیدی قریب‌الوقوع و واکنشی ضروری وجود داشته و انجام آن برای حفظ جان دیگران واجب باشد و گرنه مطابق قوانین حقوق بشر، کشتن جایز نیست.

۲- مقررات حقوق بشردوستانه حاکم بر استفاده از پهپاد

استفاده از پهپاد در زمان مخاصمه تابع مقررات بین‌المللی مربوط به مباحث حقوق توسل به زور، حقوق مخاصمات مسلحانه و حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌باشد. حقوق بشردوستانه می‌کوشد با وضع مقرراتی، از خشونت بی‌اندازه در جنگ‌ها جلوگیری کند. برای رسیدن به این منظور حقوق بشردوستانه حق دولت‌ها را در انتخاب سلاح‌ها و روش‌های جنگی محدود و از قربانیان درگیری‌های مسلحانه حمایت می‌کند. مطابق ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹) مخاصمه مسلحانه بین‌المللی عبارت است هرگونه جنگ اعلام شده یا هرگونه مخاصمه مسلحانه که میان دو یا چند دولت معظم متعاهد روی دهد، ولو آنکه یکی از دولت‌ها وجود حالت جنگ را تصدیق نکرده باشد. استفاده از اصطلاح «مخاصمه مسلحانه» به جای «جنگ» مانع از آن خواهد شد که دولتی که مبادرت به اقدامی خصمانه علیه دولتی دیگر می‌نماید،

۱. الکس کونت (Alex Conte) مدیر حقوق بین‌الملل و برنامه حمایت کمیسیون حقوقدانان بین‌المللی در جلسه تبادل نظر شورای حقوق بشر در خصوص پهپادها در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۴ بیان می‌دارد که اگر درگیری که از آن از پهپادها استفاده می‌گردد در حد مخاصمه نباشد، حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل بشر حاکم خواهد بود. Panel on Remotely Piloted Aircraft or Armed Drones in Counter Terrorism and Military Operations, 2014. Available at: http://www.unog.ch/80256EDD006B9C2E/%28httpNewsByYear_en%29/BCE56ED914A46D40C1257D5B0038393F?OpenDocument

بتواند ادعا کند به یک عملیات ساده پلیسی دست زده است، مدت مخاصمه و خصوصیت کمابیش مرگبار آن مخاصمات هیچ یک اثری بر توصیف مخاصمه مسلحانه ندارند (ممتاز و شایگان، ۱۳۹۳: ۲۲-۲۳). حقوق بشردوستانه از طریق ماده ۲ مشترک کنوانسیون‌های ژنو در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی قابل اجرا است و مشروع بودن حمله و غیر آن نیز در این امر تعیین کننده نمی‌باشد (Greenwood, 2004: 45). مطابق تعریف مجموعه راهنمای حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی عبارت است از «درگیری بین دولت مستقر و موجود و گروه‌های که تحت فرمان دولت مرکزی نیستند و در داخل قلمرو آن کشور با دولت مرکزی درگیری نظامی دارند به حدی که در آنجا شورش و جنگ داخلی رخ داده است» (Greenwood, 2004: 47). پروتکل دوم الحاقی در ماده ۱ خود دو معیار تسلط شورشیان بر بخشی از سرزمین کشور درگیر مخاصمه و توانایی آن‌ها برای اجرای مقررات پروتکل را شاخصی برای غیر بین‌المللی بودن یک مخاصمه می‌داند.

شعبه تجدید نظر دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در رأی خود در قضیه تادیچ، جنگ‌های طولانی مدت که در سرزمین یک دولت میان نیروهای مسلح حکومتی و گروه‌های سازمان‌یافته یا میان این گروه‌ها با یکدیگر روی می‌دهند را مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی دانسته است (ICTY, 1995: para.70). این عمل دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق مبتنی بر معیارهای انعطاف‌پذیرتری است و شمار بیشتری از مخاصمات را در بر می‌گیرد (ممتاز و شایگان، ۱۳۹۳: ۶۴). لازم به ذکر است که حقوق بین‌الملل بشردوستانه از طریق ماده ۳ مشترک در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی نیز قابل اعمال است.

به باور برخی از نویسندگان از آنجایی که گروه‌هایی همچون طالبان عضو کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو نیستند، لذا این معاهدات در حمله به این گروه‌های تروریستی لازم‌الاجرا نمی‌باشند. ضمن آنکه با همین استدلال نیز پروتکل اول الحاقی نیز قابل اجرا نمی‌باشد. پروتکل دوم هم در صورتی قابل اجرا است که بازیگر غیردولتی قسمتی از خاک کشوری را تصرف نموده باشد (که در مورد القاعده و آمریکا این فرض وجود ندارد). لذا تنها ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو در خصوص این‌گونه حملات قابل اجرا است (Ott, 2011: 744). اما در پاسخ بایستی گفت که حتی آنجا که دولت‌های قربانی تروریسم، برای مقابله با اعمال تروریستی به عملیات نظامی متوسل می‌شوند، عمل آن‌ها مشمول حقوق مخاصمات مسلحانه است و باید موازین و مقررات آن را رعایت کنند. بنابراین نمی‌توان گفت که در چنین حالتی با خلاء حقوقی مواجه هستیم (زمانی و پیری، ۱۳۹۱: ۵۳).

اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که بعضاً حالاتی وجود دارند که به نظر می‌رسد نمی‌توان آنها را در این دو نوع مخاصمه قرار داد. برای مثال حمله آمریکا به افغانستان و جنگ با

طالبان و القاعده. از یک سو این گروه‌ها تروریستی، دولت نیستند که بتوان مخاصمه با آنها را مخاصمه مسلحانه بین‌المللی دانست و از سوی دیگر طالبان در قلمرو کشور آمریکا قرار ندارد که آن را مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی دانست. به همین خاطر برخی از نویسندگان با بسط دادن تعریف مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی بر این عقیده هستند که هر مخاصمه مسلحانه-ای که بین‌المللی نباشد، مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی است (Lewis, 2012: 307). لیکن به نظر می‌رسد همانطور که در مطالب پیشین ذکر شد اگر چنین درگیری بین یک کشور و گروه تروریستی که در خاک کشور دیگر وجود دارد به آستانه مخاصمه نرسد تابع مقررات حقوق بشر است و نمی‌توان آن را مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی دانست.

۲-۱- پهپاد و تسلیحات ممنوعه

برای ارزیابی قانونی بودن استفاده از سلاح‌ها باید به اصول و قواعد اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مراجعه کرد. بدیهی است هرگاه دولت‌های متخاصم طرف معاهده حاوی منع کاربرد سلاح مورد نظر باشند، باید به معاهده و در غیر این صورت، به حقوق بین‌الملل عرفی رجوع شود. در صورتی که این منبع حقوق بین‌الملل فاقد قاعده‌ای در مورد ممنوعیت استفاده از سلاح باشد، به اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه مراجعه خواهد شد (ممتاز و شایگان، ۱۳۹۳: ۱۰۰). با توضیحات فوق این سوال مطرح می‌گردد که آیا پهپادها یک سلاح ممنوعه هستند یا خیر؟ در پاسخ بایستی اشاره نمود که بمباران هوایی از طریق پهپادها یک شیوه نوین جنگی محسوب می‌گردد که ممکن است کنترل آن از هزاران مایل دورتر صورت پذیرد (Casey-Maslen, 2012: 600). به‌طور کلی کاربرد هواپیماهای بدون سرنشین در مخاصمات مسلحانه مانند هرگونه سیستم پرتاب دیگری در میدان نبرد قانونی است. با این حال مهم نوع سلاح‌هایی است که این هواپیماها حمل می‌کنند. در واقع، (برخی از) موشک‌ها و بمب‌هایی که به‌وسیله این ابزارها حمل می‌شوند، از انواع سلاح‌های مجاز نمی‌باشند. توسل به نیروی مرگ‌آور و کشته‌کاربرد چنین سلاح‌هایی با قدرت آتش سنگین، در قالب اجرای حقوق مخاصمات و از طریق حقوق بشردوستانه بسیار محدود شده است. به‌ویژه، محدودیت سلب خودسرانه حیات، توسل یک دولت را در اعمال نیروی مرگ‌آور تحت قاعده در می‌آورد (O'Connell, 2010: 3). لذا در صورتی که مهمات پرتاب شده از این پهپادها شامل تسلیحات ممنوعه تصریح شده در حقوق بین‌الملل همانند تسلیحات شیمیایی، تسلیحات بیولوژیکی، تسلیحات لیزری و... باشد، استفاده از پهپاد در مخاصمه جایز نیست.

۲-۲- اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه حاکم بر استفاده از پهپادها

به باور برخی، مقررات ناظر بر استفاده از پهپادها در مخاصمات مسلحانه همان مقررات ناظر بر هواپیماهای جنگی است (Program on Humanitarian Policy and Conflict Research at Harvard University, 2013:100). اما این عقیده، به معنای چالش‌های یکسان هواپیمای جنگی و پهپادها نیست (Lewis, 2012: 295). همانند سایر اشکال حمله در زمان مخاصمه مسلحانه علیه نیروهای دشمن، حملاتی نیز که توسط پهپادها صورت می‌گیرد تابع حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. حقوق بشردوستانه بر دو پایه اصل محدودیت و حمایت یا همان اصل بشریت که در حقوق بین‌المللی بشردوستانه جنبه‌ی محوری دارد، استوار است (زمانی و پیری، ۱۳۹۱: ۴۵). در کنار این دو اصول چند اصل فرعی دیگر نیز وجود دارند که حملات کشورها اعم از زمینی، دریایی یا هوایی بایستی مطابق این اصول صورت پذیرند و آنها را رعایت کنند. استفاده از پهپادها در مخاصمات نیز از اجرای این اصول نیز مستثنی نمی‌باشند و بایستی در عملیات‌های نظامی صورت گرفته توسط پهپادها این اصول اجرا شوند. به طور کلی این اصول عبارتند از: اصل تفکیک، اصل ضرورت نظامی، اصل انسانی بودن، اصل تناسب و اصل احتیاط که در ادامه به طور مختصر به توضیح هر کدام از این اصول و منطبق بودن عملیات پهپادها بر این اصول پرداخته خواهد شد.

الف- اصل تفکیک

اصل تفکیک مقرر می‌دارد که طرفین درگیر مخاصمه بایستی همواره بین رزمندگان و غیرنظامیان و همچنین در خصوص اهداف نظامی با اهداف غیرنظامی قائل به تفکیک و تمایز شوند (Sterio, 2012: 210). علاوه بر این، اصل تفکیک از غیرنظامیان در مقابل تمامی حملات حمایت می‌کند و حملات کورکورانه را منع می‌نماید. وظیفه تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان بدون تردید پایه‌ای‌ترین و مهمترین اصل حقوق مخاصمات مسلحانه است. لذا سلاح‌هایی که توسط هواپیماهای بدون سرنشین مورد استفاده قرار می‌گیرند باید قادر به اعمال تمییز میان نظامیان و غیرنظامیان باشند، به نحوی که تا حد امکان از حمله به افراد و اموال غیرنظامی جلوگیری نماید. در این رابطه برخلاف گمان موجود مبنی بر دقت بسیار زیاد این هواپیماها بدون سرنشین، طی ۳۰۰ حمله صورت گرفته توسط این هواپیماها در پاکستان، ۲۳۴۷ نفر کشته شدند که در این میان ۳۹۲ غیرنظامی حضور داشتند و دست کم ۱۷۵ کودک جان خود را در این حملات از دست دادند. همچنین آمریکا در سال ۲۰۱۱ در ماه‌های فوریه، ژوئن و سپتامبر چندین بار به منظور کشتن افراد منسوب به القاعده به یمن حمله نمود که با موفقیت‌های قابل توجهی نیز روبه‌رو نشد. در این حملات نیز شماری از غیرنظامیان جان

باختند (تقی‌زاده و هداوندی، ۱۳۹۱: ۸۴). این آمار خود گویای آن است که این هواپیماها نتوانسته‌اند در عملیات خود اصل تفکیک به نحو موثر به اجرا گذارند.

ب- اصل ضرورت نظامی

اصل ضرورت نظامی ایجاب می‌کند که حملات مسلحانه در طول جنگ بایستی به اهداف نظامی محدود گردد و دربردارنده مزیت نظامی مشخص باشد. بنابراین تنها اقداماتی که برای تأمین تسلیم هرچه زودتر و کامل دشمن ضروری است، جایز است (Sterio, 2012: 209-210). دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی دیوار حائل ضمن بیان اینکه حقوق بین‌المللی بشردوستانه قابل اجرا، متضمن اصل ضرورت نظامی^۱ می‌باشد (ICJ Rep, 2004: para. 135). بدین نتیجه رسید که اقدام اسرائیل به احداث دیوار حائل باعث نقض حقوق فلسطینیان گردیده و با هیچ ضرورت نظامی یا شرایط امنیت ملی یا نظم عمومی قابل توجیه نیست، ضمن آنکه احداث دیوار، نقض تعهدات اسرائیل مطابق اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر است (ICJ Rep, 2004: para. 137). پهبادهای در حملات هوایی خود بایستی این اصل حقوق بشردوستانه را اعمال نموده و از حملاتی که ضرورت نظامی ندارند، اجتناب نمایند. با این حال تخریب برخی از منازل و تأسیسات غیرنظامی توسط پهبادهای در حملاتی که به برخی از کشورهای خاورمیانه داشته‌اند بیانگر عدم رعایت این اصل و نقض آن در این حملات بوده است. برای مثال حدود ۶۰ درصد حملات پهبادهای آمریکا در پاکستان به خانه‌های غیرنظامیان بوده است (Ross & Serle, 2014:1).

ج- اصل انسانیت^۲

اصل انسانیت به طور کلی طرفین درگیر در یک مخاصمه را به استفاده از تسلیحاتی که منجر به دردهای غیرضروری یا رنج‌های بیهوده^۳ می‌شوند، منع نموده است. اصل انسانیت می‌تواند به عنوان اصل راهنمای^۴ سایر اصول دیگر باشد که از طرفین درگیر در مخاصمه می‌خواهد حتی در جایی که مطابق اصول تناسب، تفکیک و ضرورت، حمله انتسابی مشکلی ندارد، اما با این حال باعث ورود رنج بیهود یا صدمه غیرضروری می‌گردد، اقدام به این کار ننمایند و آن را ممنوع می‌نماید (Sterio, 2012: 210). مطابق بند ۱ ماده ۳۵ پروتکل اول به کنوانسیون‌های

1. Military Exigencies.
2. Principle of Humanity
3. Unnecessary Suffering.
4. Capstone.

چهارگانه ژنو، حق طرف‌های مخاصمه در انتخاب شیوه‌ها و وسایل جنگی در هیچ مخاصمه مسلحانه‌ای نامحدود نیست.

د- اصل تناسب

مطابق اصل تناسب که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطرح می‌شود، نوع سلاح یا تسلیحاتی که در حمله به کار می‌رود اهمیت ندارد، بلکه آنچه حائز اهمیت است، میزان خسارت و صدمه-ای است که به جان و اموال غیرنظامیان وارد می‌شود و بسی فراتر از منافع جنگی است که از حمله انتظار می‌رفته است (تقی‌زاده و هداوندی، ۱۳۹۱: ۸۴). استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین باعث کشتار تعداد زیادی از غیرنظامیان شده است. براساس آمارها در فاصله بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹، حدود ۷۵۰ تا ۱۰۰۰ نفر غیرنظامی در اثر حملات این هواپیماها جان خود را از دست داده‌اند (علاقه بندی حسینی و یزادن نجات، ۱۳۹۲: ۲۲۰). به سختی می‌توان پذیرفت که منافع حاصل از این حملات توجیه‌کننده کشتار غیرنظامیان گردد.

ه- اصل احتیاط

اصل احتیاط بایستی در حملات هواپیماهای بدون سرنشین در حقوق مخاصمات مسلحانه مورد توجه قرار گیرد، اصلی که در بسیاری از حملات انجام شده توسط هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی در جنگ با تروریسم مغفول مانده است. اصل احتیاط در حمله همچنان بر ضرورت «اعلان و اطلاع قبلی حملاتی که ممکن است جمعیت غیرنظامی را به طور جدی تحت تأثیر قرار دهد، مگر آنکه اوضاع و شرایط خاصی مانع از اطلاع قبلی حمله توسط نیروی مهاجم باشد» تأکید می‌کند (تقی‌زاده و هداوندی، ۱۳۹۱: ۸۵). تاکنون بسیاری از عملیات‌های صورت گرفته توسط پهپادها، وفق اصول فوق‌الذکر عمل ننموده‌اند (Sterio, 2012: 211).

۲-۳- قلمرو مخاصمه و ضرورت تعیین غیرنظامیان در حملات پهپادها

ارائه یک تعریف حقوقی از «میدان نبرد»^۱ برای استفاده از پهپاد در مخاصمه از اهمیت بسزایی برخوردار است، چراکه میدان نبرد بیان‌کننده قلمرو اجرای حقوق بین‌الملل بشردوستانه است و خارج از قلمرو حقوق بشردوستانه، محل اجرای قواعد حقوق بین‌الملل بشر می‌باشد (Lewis, 2012: 300). توضیح اینکه مطابق حقوق بشردوستانه، استفاده از زور و قوای نظامی علیه اهداف نظامی دشمن جایز است، اما حق استفاده از نیروی نظامی علیه غیرنظامیان وجود ندارد، در حالی که مطابق حقوق بین‌الملل بشر استفاده از نیروی نظامی علیه نیروی نظامی

1. Battlefield.

دشمن و غیرنظامیان آن جایز نیست، مگر اینکه اثبات شود که اوضاع و احوال بسیار خطرناک است و بایستی از قوای نظامی استفاده گردد، آن هم علیه نیروی نظامی یا شبه‌نظامی و نه غیرنظامیان.^۱

در این خصوص برخی بر این باورند که هر جایی که درگیری و مخاصمه وجود دارد آنجا میدان نبرد محسوب می‌شود. اما نظر دیگر بر این اعتقاد است که میدان نبرد متناسب با رزمندگان آن تغییر خواهد نمود (Lubell & Derejko, 2013: 66). شعبه تجدید نظر دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ در خصوص قلمرو اجرای حقوق بشردوستانه در مخاصمات غیربین‌المللی بیان می‌دارد که «حقوق بشردوستانه در تمامی قلمرو تحت کنترل هر طرف اعمال می‌شود، خواه در آنجا درگیری رخ دهد یا خیر» (ICTY, 1995: para. 70). لذا به نظر دیوان، معیار «کنترل قلمرو» شاخص تعیین میدان نبرد برای اجرای قواعد حقوق بشردوستانه می‌شود.

رویکرد آمریکا در خصوص بهره‌گیری از پهپادها در مواجهه با گروه‌های تروریستی همچون القاعده نیز به شکل گسترش میدان نبرد بوده است. بدین معنا که پهپادهای آمریکا نیروهای القاعده را در هرکجای دنیا که باشند، مورد حمله قرار می‌دهند. برای مثال اگر تروریستی که در افغانستان وجود دارد به کشور یمن نقل مکان نماید، میدان نبرد از افغانستان به یمن گسترش خواهد یافت. در این شکل میدان نبرد متناسب با اشخاصی که وابسته به این گروه‌های تروریستی می‌باشند، گسترش می‌یابد. البته این گسترش میدان نبرد با انتقادهای زیادی از جانب جامعه بین‌المللی مواجه شده است (Sterio, 2012: 199). عمده این انتقادات وارده بر این امر تکیه دارد که این گسترش میدان نبرد علاوه بر اینکه برهم زننده صلح بین‌المللی است با قواعد منع توسل به زور نیز در تعارض است. اما این امر خللی در اجرای مقررات حقوق بشردوستانه ندارد. چراکه با گسترش میدان نبرد به سایر کشورها (یا حتی مناطقی که تحت صلاحیت و حاکمیت هیچ کشوری نیست همانند دریای آزاد) مخاصمه بودن آن از بین نمی‌رود و لذا حقوق بشردوستانه در آنجا نیز اعمال خواهد شد.

نتیجه‌گیری

صرف‌نظر از ملاحظات حقوق داخلی و دغدغه‌های مختلف امنیت ملی، موضوع هواپیماهای بدون سرنشین به لحاظ بین‌المللی، مسایل حقوقی مختلفی را مطرح می‌کند و تابع شاخه‌های مختلف حقوق داخلی و موضوعاتی که تحت حاکمیت دولت‌ها است و همچنین تابع حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل هوایی، حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه

۱. اهمیت تعیین میدان نبرد در این گونه مخاصمات، از جهت اجرای مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.

می‌باشد که مطابق هر کدام از این شاخه‌های حقوق بین‌الملل، مقررات استفاده از پهپادها تبیین شده‌اند. لازم به ذکر است تمامی این شاخه‌ها جزئی از تمامیت حقوق بین‌الملل هستند که در کنار هم به تعیین مقررات و قواعد حاکم بر استفاده از پهپادها پرداخته‌اند. استفاده از پهپادها در درگیری‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی خواه به عنوان تجهیزات جنگی و خواه به عنوان تسلیحاتی که به کار می‌برند، موضوعی بسیار پیچیده‌ای است که جامعه جهانی خواستار آن است که استفاده از این هواپیماهای بدون سرنشین بایستی مطابق مقررات منشور سازمان ملل متحد، حقوق بین‌الملل بشر، حقوق بین‌الملل بشردوستانه صورت پذیرد. استفاده از پهپادها می‌بایست مطابق اصول اصلی و اساسی حقوق بشردوستانه از جمله اصل تفکیک، اصل ضرورت، اصل تناسب و اصل احتیاط باشد. موضوع تمامیت ارضی، حاکمیت و حقوق بشر نیز بایستی همواره مدنظر قرار گیرد. لذا در زمان صلح عملیات‌های جاسوسی و یا شناسایی در کشور دیگر توسط پهپادها، نقض حاکمیت آن کشور محسوب گردیده و نقض حاکمیت این دسته از کشورها مورد ممنوعیت منشور سازمان ملل نیز واقع شده است. عملیات‌های جاسوسی از کشور ایران توسط پهپادهای سایر کشورها از جمله دولت‌های فرمانطقه‌ای آشکارا نقض حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است و طرح توجیهات حقوقی دولت‌های فرمانطقه‌ای از جمله طرح دولت ناتوان و عدم نیاز به کسب رضایت از این کشورها، مجوزی برای این‌گونه عملیات‌ها محسوب نمی‌شود و به نوعی تفسیر سوء و طرح چالشی حقوقی برای عدم رعایت مقررات صحیح می‌باشد. از جنبه حقوقی، استفاده از پهپادها توسط دولت‌های فرمانطقه‌ای با چالش‌های جدی همراه بوده است. در حوزه مقررات حقوق بشر، حملات پهپادها تحت عنوان کشتار هدفمند باعث گردیده تا افراد بی‌گناه زیادی جان خود را از دست دهند و استفاده از قوای مهلک توسط این پهپادها مطابق قواعد حقوق بشر نبوده است. در حوزه حقوق مخاصمات مسلحانه نیز استفاده از پهپاد توسط دولت‌های فرمانطقه‌ای بایستی در دو مرحله بررسی گردد. ابتدا در خصوص مشروعیت توسل به زور که در این مورد بایستی گفت در رویارویی با گروه‌های مسلحی مانند القاعده، امکان استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین وجود ندارد، زیرا استناد به دفاع مشروع در برابر بازیگران غیردولتی بدون رضایت دولت محل استقرار تروریسم اصولاً امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این، بهره‌گیری از این هواپیماها و انجام عملیات مرزگذر، منجر به نقض حریم هوایی و تمامیت سرزمینی دولت‌های منطقه (از جمله افغانستان، پاکستان و یمن) است، زیرا این دولت‌ها با ایالات متحده در حال جنگ نیستند و دولت آمریکا نمی‌تواند وارد قلمروی سرزمینی این دولت‌ها شود. ضمن اینکه حمله مسلحانه به این گروه‌ها الزاماً تنها راه‌حل نمی‌باشد، بلکه آخرین راه‌حل می‌باشد. همچنین نقض قلمرو هوایی جمهوری اسلامی ایران توسط پهپادهای آمریکا و اسرائیل که در حال حاضر ایران با این دو در حال مخاصمه نمی‌باشد، هیچ توجیه قانونی و مشروع ندارد. در خصوص مطابقت با اصول حقوق

بشردوستانه نیز بایستی گفت که با توجه به آمار و وقایع منتشر شده، می‌توان بیان داشت که به‌طور کلی حملات این هواپیماها نتوانسته‌اند اصول حقوق بشردوستانه از جمله اصل تفکیک، اصل تناسب و اصل احتیاط را به درستی رعایت نمایند. در کنار این امر وجود ابهاماتی در خصوص قلمرو مورد مخاصمه و میدان نبرد و تعریف و تبیین نظامیان و تفکیک آنان از غیرنظامیان به خدشه‌دار شدن اصول حقوق بشردوستانه توسط این پهپادها کمک نموده است. در این میان، دولت‌های غربی که از پهپادها علیه برخی از کشورهای خاورمیانه استفاده نموده‌اند بر این باور هستند که رویه فعلی این دولت‌ها در رابطه با هدفگیری تروریست‌ها از طریق عملیات هوایی و بهره‌گیری از پرنده‌های بدون سرنشین با تمامی قوانین و مقررات حقوق بین‌الملل، به خصوص ترتیبات حقوق مخاصمات مسلحانه مطابقت کامل دارد. این موضوع با بررسی‌های صورت گرفته حقوقی در این تحقیق به سختی قابل باور است. در این مورد توجه به اصل احترام به حاکمیت دولت‌ها و حاکمیت آنان بر قلمرو خودشان، قواعد حقوق بین‌الملل بشر، اصل منع توسل به زور و رعایت حقوق بشردوستانه در هر زمان و مکانی حائز اهمیت است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. ذوالعین، پرویز (۱۳۹۰). مبانی حقوق بین‌الملل عمومی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپ هفتم.
۲. شکوهی، حسین (۱۳۹۲). نقش پهپادها در جنگ‌های آینده (صحنه نبرد ناهمگون)، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی (داعا)، چاپ دوم.
۳. ممتاز، جمشید؛ شایگان، فریده (۱۳۹۳). حقوق بین‌الملل بشردوستانه در برابر چالش‌های مخاصمات مسلحانه در عصر حاضر، انتشارات حقوقی شهر دانش، چاپ اول.

ب) مقالات

۴. تقی‌زاده، زکیه؛ هداوندی، فاطمه (۱۳۹۱) «کاوشی در مشروعیت استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال نهم، شماره ۳.

۵. زمانی، سید قاسم؛ پیری، حیدر (۱۳۹۱). «کارکرد منافع ملی حیاتی در حوزه‌های انسانی حقوق بین‌الملل: حقوق بشردوستانه»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۷۹، پائیز، ص ۵۵.
۶. سرتیپی، حسین؛ بردبار، احمدرضا؛ موسی‌زاده، محمد (۱۳۹۱). «بررسی و نقد ترور هدفمند، مبارزه با تروریسم و حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال چهاردهم، شماره ۳۸.
۷. شهبازی، آرامش؛ جوادی شریف، خدیجه (۱۳۹۲). «وضعیت دولت-کشورهای ناتوان در حقوق بین‌الملل معاصر»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال پانزدهم، شماره ۳۹.
۸. عزیزی، ستار (۱۳۹۲). «بررسی مشروعیت دعوت از مداخله خارجی در مخاصمات داخلی: با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «فعالیت‌های نظامی در سرزمین کنگو»، *فصلنامه پژوهش حقوق*، سال سیزدهم، شماره ۳۳.
۹. علاقه بند حسینی، یونس؛ یزدان نجات، رزا (۱۳۹۲). «گسترش استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در آیین حقوق توسل به زور و مخاصمات مسلحانه»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال سی‌ام، شماره ۴۸.
۱۰. کرم‌زاده، سیامک (۱۳۸۲). «تروریسم و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مدرس*، دوره ۷، شماره ۱.
۱۱. ممتاز، جمشید؛ صابری انصاری، بهزاد (۱۳۹۱). «تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل «منع تهدید و توسل به زور»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و یکم، شماره ۶۳.
۱۲. ممتاز، جمشید (۱۳۹۳). جایگاه پهپادها در درگیری‌های مسلحانه. قابل دسترس در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/>

۲. انگلیسی

A) Books

13. Greenwood, Christopher (2004). Scope of Application of Humanitarian Law, Fleck. Dieter (ed.), *The Handbook of Humanitarian Law in Armed Conflicts*, Oxford University Press.
14. Program on Humanitarian Policy and Conflict Research at Harvard University (2013). *Commentary to the HPCR Manual on International Law Applicable to Air and Missile Warfare*. In *HPCR Manual on International Law Applicable to Air and Missile Warfare*, Cambridge University Press.

15. Schmitt, Michael N. (2010). Drone Attacks under the Jus ad Bellum And Jus in Bello: Clearing the 'Fog of Law', Yearbook of International Humanitarian Law, vol. 13.

B) Articles

16. Casey-Maslen, Stuart (2012). Pandora's Box? Drone Strikes under Jus ad Bellum, Jus in Bello, And International Human Rights Law, International Review of the Red Cross, Volume 94, Number 886.
17. Lewis, Michael W. (2012). Drones and the Boundaries of the Battlefield, Texas International Law Journal, Volume 47, Issue 2.
18. Lubell, Noam. Derejko, Nathan (2013). A Global Battlefield? Drones and the Geographical Scope of Armed Conflict, Journal of International Criminal Justice 11.
19. O'Connell, Mary Ellen (2010). The International Law of Drones, ASIL Insight, Volume 14, Issue 37.
20. Orr, Andrew C. (2011). Unmanned, Unprecedented and Unresolved: The Status of American Drone Strikes in Pakistan Under International Law, Cornell International Law Journal, Vol. 44.
21. Paust, Jordan J. (2010). "Self-Defense Targetings of Non-State Actors and Permissibility of the US Use of Drones in Pakistan", Journal of Transnational Law and Policy, vol. 19.
22. Ross, Alice K. Serle, Jack (2014). Why Have US Drones Targeted So Many Houses in Pakistan?, VICE News Site. Also available at: <https://news.vice.com/article/why-have-us-drones-targeted-so-many-houses-in-pakistan>

C) Documents

23. Advisory Opinion on Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, I.C.J. Judgement 1996.
24. Alston, Philip, 28 May 2010, Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions, Study on Targeted Killings, A/HRC/14/24/Add.6.
25. Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), I.C.J. Judgement Reports, 2005.
26. I.C.J. Reports 2004, "Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory", Advisory Opinion.
27. Letter of Permanent Representative of the Islamic Republic of Iran to President of the Security Council of The United Nations, 8 December 2011, NO 1396.
28. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), I.C.J. Judgment of 6 November 2003.
29. Prosecutor v. Tadic, Decision on the Defence Motion for Interlocutory Appeal on Jurisdiction, Appeals Chamber Decisions, 1995.
30. S/2012/851, 19 November 2012, Identical letters dated 15 November 2012 from the Permanent Representative of the Islamic Republic of Iran to the United

Nations addressed to the Secretary-General and the President of the Security Council.

31. Sterio, Melina, 2012, The United States' Use of Drones in the War on Terror: The (Il)legality of Targeted Killings Under International Law, Case Western Reserve Journal of International Law, vol. 45.
32. The Chicago Convention on International Civil Aviation (1944).
33. The Principle of Non-Intervention in Civil Wars, The Institute of International Law, 1975.
34. United States of America: 'Targeted killing' policies violate the right to life, 2012, Amnesty International Publication. Also available at: http://www.amnestyusa.org/sites/default/files/usa_targeted_killing.pdf

